



رادیو فردا به عنوان یکی از مدیاهای فارسی زبان امپریالیسم آمریکا، سه سوسیال دمکرات راست ضد شوروی دوره لنین و استالین را گرد هم آورده که در مورد "چپ" اظهار نظر کنند.

رادیو فردا و رادیوهائی از قبیل رادیو زمانه، رادیو فرانسه و رادیو آمریکا برای ایجاد سردرگمی و پراکندگی بیشتر در جنبش کمونیستی ایران هرازگاهی بحث‌های "پرشوری" در مورد چپ و کمونیسم راه می‌اندازند و نتایج از پیش تعیین شده خود را می‌گیرند. بحث کنونی رادیو فردا یکی از آنهاست. لذا ما مایل به تحلیل آن هستیم:

گرداننده میزگرد، پیش از صحبت دیگران چنین می‌گوید: «با سقوط اتحاد شوروی، الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت و چپ در جهان وارد دوره‌ای از بازاندیشی شد؛ دوره‌ای برای بازتعریف اولویت‌ها و تطبیق اندیشه‌های چپ با جهان پس از جنگ سرد».

این بیانات می‌تواند برای انسان‌هائی که درک درستی از کمونیسم ندارند، سردرگمی و آشفته فکری عظیمی به بار آورد. از سقوط اتحاد شوروی صحبت می‌شود. منظور کدام سقوط است؟ روشن نیست. آیا تغییر اسم روسیه سوسیال امپریالیستی در زمان گورباچف است و یا تغییر ماهیت اتحاد شوروی از کشور شوراهای پرولتری به یک کشور رویزیونیستی در زمان خروشچف؟ کدام؟

رادیو فردا این سردرگمی را به وجود می‌آورد تا یک نقطه نظر تاریخی ارتجاعی - امپریالیستی را جا بیاندازد؛ «الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت»

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا ۱۹۵۳ توانست یک کشور فلاحتی عقب مانده را به کشوری پیشرفته و سوسیالیستی تبدیل کند و در این روند بزرگترین کشورهای امپریالیستی - فاشیستی را درهم بکوبد. اتحاد شوروی در طی این دوران در جنگ‌های متعدد و طولانی ضربات اقتصادی شکننده‌ای را نیز متحمل شده بود. به ویژه در جنگ جهانی دوم ۲۰ میلیون از نیروی کار اتحاد شوروی و صدها هزار کمونیست بلشویک، در میادین جنگ برای سوسیالیسم جان فدا کرده و بر خاک مانده بودند. کولاک زاده‌ها در دوران جنگ و کشته شدن بلشویک‌ها وارد حزب شده و از پائین

حزب بلشویک را به فساد می‌کشاندند. یک کارزار ایدئولوژیک درون حزبی که از پشتیبانی بی دریغ و همه جانبه نیروهای سرمایه‌داری بین‌المللی برخوردار می‌شد، علیه حاکمیت پرولتاریا برپا گردیده بود.

در واقع قدرت پرولتاریا در مقابل یک توطئه همه جانبه ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی - جنائی سرمایه‌داری داخلی و خارجی شکست خورد. این شکست، به لحاظ تاریخی یک شکست کوتاه مدت دولت پرولتری از سرمایه‌داری جهانی‌ست. الگوی انقلاب اکتبر برای آزادی طبقه کارگر جهانی از استثمار و بردگی، برای رهایی محیط زیست از استثمار و تخریب برگشت ناپذیر، همچنان معتبر است. این الگو بر افق تاریخ می‌درخشد.

«الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت» بدین معناست که آزادی طبقه کارگر در سوسیالیسم ممکن نیست بلکه در سرمایه‌داری ممکن است. آیا چنین است؟ آیا از زمان خروشچف که گام به گام سرمایه‌داری در اتحاد شوروی احیا شد، طبقه کارگر به آزادی رسید و اکنون آزاد است؟ یا این که کلیه دستاوردهای این طبقه علیه استثمار و بردگی از دستش رفته شد؟ کدام؟ الگوی مورد قبول این مدیای امپریالیستی - رادیو فردا -، برای «آزادی طبقه کارگر» نظام سرمایه‌داری فاشیستی آمریکا، روسیه، چین، ایران، ترکیه و... است.

ولی به طور واقعی یک الگو فرو ریخته است. ولی این الگوی فرو ریخته، الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نیست، بلکه الگوی خروشچف است، رویزیونیسم است که در تئوری و عمل فرو ریخته و شکست خورده است. این الگو که با صدای گوش خراش و بوی متعفنش جهان کار را آلوده کرده، نشان می‌دهد که عملاً به بردگی طبقه کارگر می‌انجامد. این الگو در ذهن و اندیشه طبقه کارگر و جنبش کمونیستی فرو ریخته، شکست خورده و در آن شکل ویژه‌اش به تاریخ پیوسته است.

رادیو فردا پس از ادعای مضحک «الگوی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در عمل فرو ریخت» در ادامه می‌نویسد «چپ در جهان وارد دوره‌ای از بازاندیشی شد؛ دوره‌ای برای بازتعریف اولویت‌ها و تطبیق اندیشه‌های چپ با جهان پس از جنگ سرد.»

از نظر رادیو فردا، چون الگوی سوسیالیسم در عمل فرو ریخت، اولویت‌های چپ از تدارک انقلاب سوسیالیستی به فعالیت دیگری در نظام سرمایه‌داری تغییر کرده است. این اولویت‌ها چیستند؟ رادیو فردا می‌گوید: «اما چپ، با تعریف امروزی، قرار است چه باشد؟ جریانی که مدعی استقلال فکری و نافرمانی از قدرت است؛ جریانی که عدالت اجتماعی را در کنار دموکراسی، سکولاریسم، حفاظت از محیط زیست و حقوق مدنی و اجتماعی قرار می‌دهد.»

نسخه کامل رادیو فردا و افراد میزگرد این است که باید از سوسیالیسم چشم پوشید و دیگر به آن نیاندیشید، بلکه باید به دموکراسی، سکولاریسم و... در نظام سرمایه‌داری اندیشید و دلخوش بود.

البته این واقعیتی‌ست که اولویت بخشی از چپ از تلاش جهت تدارک انقلاب سوسیالیستی به فعالیت در نظام سرمایه‌داری گرایش پیدا کرده است. این به اصطلاح چپ، نیروهائی از قبیل سازمان چریکهای اکثریت، حزب چپ و انواع و اقسام سوسیال دموکرات‌های راست و چپ و میانه هستند.

ولی جنبش کمونیستی ایران گول این طرہات نخ نما شده را نخواهد خورد. الگوی انقلاب اکتبر، بیش از پیش الگوی آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جهان است. این الگو چیزی جز سوسیالیسم و دولت دیکتاتوری پرولتاریا نیست. در متن این میزگرد از «چپی که در مقطعی قربانی اقتدارگرایی شوروی شد» صحبت می‌شود. رادیو فردا اقتدارگرایی را به سوسیالیسم نسبت می‌دهد. در حالی که همه دولت‌های جهان اقتدارگرا هستند. دولت اساساً سمبل و ابزار اقتدار یک طبقه است.

مسئله بر سر این است که اقتدار کدام طبقه؛ اقتدار بورژوازی یعنی اقتدار استثمارگر بر استثمار شونده، یعنی سرکوب دائم طبقه کارگر توسط بورژوازی. ولی اقتدار طبقه کارگر - دیکتاتوری پرولتاریا - اقتدار طبقه کارگر بر سرمایه‌داری خون آشام و زالوصفت است. اقتدار ستم دیدگان جامعه علیه ستمگران سابق‌اش می‌باشد. این اقتدار امر خوبی است. کمونیست‌ها و طبقه کارگر بین‌المللی سعی دارند این اقتدار را دوباره در جهان برپا سازند.

نفی این واقعیت یعنی نفی طبقات و مبارزه طبقاتی، خاک پاشیدن به چشم طبقه کارگر است تا راه آزادی واقعی خود را نبیند و همچنان به مبارزات معیشتی در نظام سرمایه‌داری خود را مشغول کند. یعنی جنبش کمونیستی را از

وظیفه اساسی‌اش که بردن آگاهی سوسیالیستی در بین طبقه کارگر است، دور و منحرف نماید و به خرده کاری مشغول سازد. رادیو فردا و امثالهم، از تکامل آگاهی طبقاتی طبقه کارگر وحشت بسیار دارند. در اینجا توضیح یک نکته ضروریست: جنبش کمونیستی در نظام سرمایه‌داری، با تمام نیرو و توان در مبارزات توده‌های مردم جهت تحقق درخواست‌های دموکراتیک آن‌ها شرکت کرده و از آن‌ها پشتیبانی می‌کند. رادیو فردا می‌گوید، این، یعنی اولویت چپ. از نظر این مدیای امپریالیستی وظیفه چپ در همین جا باید به پایان برسد. این یعنی فرمان ایست تاریخی به طبقه کارگر و فرمان استثمار بیشتر و سرکوب بیشتر این طبقه توسط سرمایه‌داری. ولی جنبش کمونیستی در اینجا ایست نمی‌کند. با شرکت‌اش در جنبش دموکراتیک سعی می‌کند آگاهی سوسیالیستی را در این جنبش‌ها به ویژه در جنبش‌های طبقه کارگر، تکامل دهد، بالا ببرد و مردم را حول انقلاب مسلحانه توده‌ای متشکل سازد. در واقع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، الگوی جنبش کمونیستی این دوران، ولی منطبق با شرایط تاریخی جدید است.

نظم کمونیستی

۲۳ مهر ۱۴۰۵